

تحلیل حمایت حقوقی حق افشای اثر

علیرضا باریکلو*
مصطفی نصرآبادی**

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۹

۹۷

حقوق اسلامی / سال دهم / شماره ۳۶ / بهار ۱۳۹۲

چکیده

پدیدآورنده اثر ادبی و هنری، دارای دو دسته حقوق مادی و معنوی است که هریک از آنها دارای ویژگی‌های مخصوص به خود می‌باشد. در این میان، حمایت از حق افشای اثر در نظام‌های حقوقی با موضوع متفاوتی مواجه شده است. همچنین، در حقوق داخلی، حمایت از حق افشای اثر با توجه به ادله حقوقی ممنوعیت احتکار و ادله فقهی لزوم نشر علم، شباهتی را به وجود آورده است که بررسی آن را ضروری می‌سازد. حمایت حقوقی مؤثر از حق افشای اثر، مستلزم ممانعت از نقض و جبران خسارت وارده در صورت نقض آن است. این حق گاهی به تنهایی و گاهی با حقوق دیگری همچون حق مصونیت و امانت، حق مادی اولین نشر، حق نمایش و حق توزیع که برخی از آنها از حقوق مادی پدیدآورنده‌اند، مورد نقض قرار می‌گیرد که فروض متعدد آن در این مقاله بررسی شده است.

واژگان کلیدی: حق افشای اثر، احتکار، نقض، حق مصونیت و امانت، حق مادی

اولین نشر، حق نمایش، حق توزیع.

* دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران / نویسنده مسئول (bariklou@ut.ac.ir).

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران (mostafanasrabadi@yahoo.com).

مقدمه

حقوق مالکیت فکری از دو شاخه مالکیت ادبی - هنری و مالکیت صنعتی تشکیل شده است؛ شاخه اول، از آثار ادبی - هنری حمایت می‌کند که در ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان به آن اشاره شده است و شاخه دوم، به حمایت از اختراعات، علایم تجاری، سیر تجاری و... مرتبط می‌باشد.

در این میان، حقوق معنوی پدیدآورنده که اکثراً در شاخه مالکیت ادبی و هنری شناسایی شده است، به دلیل ارتباط با شخصیت دارنده، دارای اهمیت به سزایی می‌باشد. ویژگی مهم این حقوق در کشورهای شناسایی‌کننده که اغلب تابع نظام رومی - ژرمنی‌اند، غیرقابل انتقال، غیرقابل اسقاط و عدم محدودیت زمانی و مکانی آنهاست. با این حال، هرچند دیدگاه این کشورها در مصادیق حقوق معنوی با یکدیگر متفاوت است؛ ولی درباره سه حق معنوی یعنی حق افشای اثر (Divulgation right)، حرمت نام (Paternity Right-Attribution Right-Identification Right) و تمامیت اثر (Integrity Right) متفق‌اند که در این میان حق افشای اثر از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد؛ چون حقوق مادی پدیدآورنده اثر و سایر حقوق معنوی مانند حق حرمت و حق تمامیت اثر، تابع این حق است. به عبارت دیگر، حقوق مادی پدیدآورنده زمانی قابل حمایت است که پدیدآورنده اثر خود را به دیگران عرضه نماید.

همچنین، حمایت از حق افشای اثر در پایان به حمایت از سایر حقوق پدیدآورنده می‌رسد که این موضوع در جریان نقض حق افشا کاملاً نمایان می‌شود. به همین دلیل، دامنه حمایت مربوط به نقض این حق بسیار گسترده است که این مسئله بررسی جداگانه این حق را برجسته‌تر می‌نماید.

توجه به این نکته ضروری است که مباحث مربوط به حق افشای اثر فقط در آثار ادبی و هنری قابل بررسی می‌باشد. در مالکیت صنعتی مانند حق اختراع و اسرار تجاری چون حق اختراع تا زمانی که اختراع به ثبت نرسد، اساساً حقی برای مخترع ایجاد نمی‌شود و چون جنبه اقتصادی داشتن اسرار تجاری در محرمانه‌بودن آن است، اساساً حق افشای اثر در این گونه حقوق، مستقلاً قابل حمایت نیست؛ بنابراین در این مقاله نخست حمایت حق افشای اثر در مالکیت ادبی - هنری به طور خلاصه مورد بررسی

قرار می‌گیرد و سپس چگونگی تحقق نقض آن تحلیل می‌شود.

۱. حمایت از حق افشای اثر

حق افشای اثر، حقی است که براساس آن پدیدآورنده نسبت به افشای اثر خود اختیار دارد که برای عرضه یا عدم عرضه آن نسبت به شخص یا اشخاصی تصمیم‌گیری کند. در صورتی که قصد افشای اثر داشته باشد، زمان، مکان و چگونگی عرضه آن را تعیین نماید. درباره قابل حمایت بودن این حق و نیز در صورت قابل حمایت بودن، قلمرو حمایت حقوقی از آن در میان صاحب‌نظران اختلاف دیدگاه وجود دارد که لازم به بررسی است؛ بنابراین مناسب است با توجه به اینکه خاستگاه این نوع حقوق، نظام حقوقی کشورهای غربی خصوصاً اروپایی می‌باشد، پیش از حقوق داخلی، چگونگی حمایت از حق افشا در حقوق کشورهای اروپایی مورد بررسی قرار گیرد.

۹۹

۱-۱. در حقوق کشورهای اروپایی

در حقوق کشورهای اروپایی حق افشا، شناسایی و از آن حمایت شده است و تنها موضوع مورد اختلاف، قلمرو حمایت حقوقی از آن می‌باشد. این حق در حقوق کشورهای تابع نظام رومی - ژرمنی مانند آلمان، فرانسه و... با قلمرو وسیعی شناسایی شده است؛ تا آنجا که اجرای آن را حتی با واگذاری حق اولین نشر، قابل حمایت می‌دانند. مطابق این دیدگاه، پدیدآورنده حتی پس از انتقال حق نشر خود می‌تواند براساس حق افشای اثر از تسلیم آن به ناشر خودداری کند، هرچند خسارت وارده به ناشر را باید جبران نماید (Sterling, 2003, p.340). به عبارت دیگر، اصل لزوم قرارداد، مانع اجرای حق معنوی افشای اثر نمی‌شود، در حالی که حقوق بعضی از کشورها که غالباً تابع نظام کامن‌لا می‌باشند، این حق را با حق مادی اولین نشر مرتبط ساخته، مانع از خودداری دارنده از تسلیم اثر به ناشر شده‌اند. به عبارت دیگر، در این کشورها حق افشای اثر در حق مادی اولین نشر، مجسم و اجرایی می‌شود. براساس این دیدگاه، پدیدآورنده حق دارد اثر خود را برای نخستین بار به هر ناشری که مایل است واگذار نماید؛ ولی با انتقال حق اولین نشر، دیگر اجرای حق افشای اثر برای او باقی

نمی‌ماند؛ بنابراین چنانچه دارنده، اثر خود را برای انتشار به ناشری واگذارد، نمی‌تواند براساس حق افشای اثر از تسلیم آن به ناشر خودداری کند.

این دو رویکرد در عمل چندان دارای نتیجه متفاوت نیست؛ زیرا حقوق کشورهای تابع نظام کامن‌لا، غالباً به دلیل اینکه متعهد را به اجرای عین تعهد ملزم نمی‌دانند، در صورت پرداخت خسارت متعهدله حق عدول از قرارداد و عدم اجرای آن را برای وی ذیل عنوان «نقض قرارداد» (Breach of Contract) شناسایی کرده‌اند و تلویحاً به پدیدآورنده اجازه داده‌اند در صورت پرداخت خسارت کسی که حق اولین نشر به او واگذار شده است، از تسلیم اثر به او خودداری کند (Poole, 2006, p.397).

با این حال، کشورهایی که حق افشای اثر را مستقلاً شناسایی نکرده‌اند و آن را با حق مادی اولین نشر پیوند زده‌اند، حقی مشابه با حق افشای اثر در بعضی اقسام حقوق معنوی خود شناسایی کرده‌اند؛ اگرچه همچون حق افشای اثر عام نیست و به آثار محدودی اختصاص دارد؛ به عنوان مثال، یکی از حقوق معنوی پدیدآورندگان در انگلستان، «حق محرمانگی در عکس‌ها و فیلم‌ها» (Right of Privacy in Photographs and Films) می‌باشد که بیشتر در عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی و جشن‌های مذهبی مطرح می‌شود. براساس این حق، دارنده کپی‌رایت حق دارد از افشا و نمایش عکس‌ها و فیلم‌های خود در عموم جلوگیری کند (Hart & Fazzani & Clark, 2006, p.216).
گفتنی است حقوق ناشی از آثار ادبی - هنری از جمله حق افشای اثر، زمانی ایجاد می‌شود که این آثار در یک قالب مادی تجسم یابد، در غیر این صورت نمی‌توان از نظر حقوقی آنها را مورد حمایت قرار داد؛ بنابراین در مرحله پیش از تجسم و عینیت‌یافتن، اگر تعبیر به حق شود، جنبه اخلاقی دارد و از نظر حقوقی مورد حمایت قرار نمی‌گیرد؛ به عنوان مثال، سخنرانی یک شخص زمانی دارای حمایت حقوقی است که به صورت نوار کاست، لوح فشرده، کتاب و... مجسم شود (Sterling, 2003, p.245). پس از تجسم مادی و فیزیکی اثر است که پدیدآورنده حق دارد آن را به شخص یا اشخاص دیگر عرضه کند و یا از آن صرف نظر نماید.

۱-۲. در حقوق ایران

البته در رژیم حقوق مالکیت معنوی ایران، حق افشای اثر به روشنی برای پدیدآورنده شناسایی نشده است. با این حال، در برخی قوانین می‌توان نوعی حمایت از این حق مشاهده کرد؛ به عنوان مثال، در ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی این‌گونه مقرر شده است: «تصنیفات، تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف، مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه و یا قائم‌مقام قانونی آنان توقیف نمی‌شود». هرچند موضوع این ماده درباره تصنیف‌ها، تألیف‌ها و ترجمه‌ها می‌باشد؛ ولی می‌توان حکم آن را به حقوق دیگر ناشی از آثار ادبی - هنری تسری داد؛ زیرا ملاک مورد نظر مقنن، خصوصیت موارد مذکور نیست، بلکه عدم تعرض به آن بدون رضایت دارنده است؛ بنابراین این ملاک می‌تواند در همه انواع آثار ادبی و هنری وجود داشته باشد.

۱۰۱

در نتیجه، از این ماده استنباط می‌شود که فقط پدیدآورنده می‌تواند درباره افشای اثر خود و زمان و مکان آن تصمیم بگیرد و اراده او در این باره باید به صورت روشن و بدون ابهام بیان شود. افزون بر این، توقیف قالب مادی اثر همچون دست‌نویس‌های مؤلف، تابلوی نقاشی، طرح معماری، لوح فشرده فیلم و موسیقی، کتاب و نرم‌افزار که هنوز علنی نشده است نیز بی‌فایده خواهد بود؛ زیرا حق افشا و علنی کردن اثر که مختص پدیدآورنده می‌باشد، مانع از آن است که طلبکار بتواند از آن بهره‌برداری مالی کند (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). به هر حال، روشن است که حق افشای اثر در ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی به اجمال شناسایی شده است؛ ولی باید دید چنین حقی از حیث قواعد عام حقوقی قابل حمایت است و آیا ادله مانع حمایت از چنین حقی وجود دارد؟

مانع حمایت از حق ممکن است ادله لزوم ترویج آثار فرهنگی و عمومی و فراگیرسازی آن باشد که به عنوان یکی از هدف‌های حقوق اسلامی مطرح می‌باشد و برای تحقق آن، احکام خاصی برای تحریک و تشویق اشخاص به نشر آثار فرهنگی از جانب شارع وضع شده است تا جایی که به منزله واجب قلمداد می‌گردد؛ به عنوان مثال، روایات وارده دلالت دارند که زکات علم، نشر و ترویج آن می‌باشد. در ادبیات

این‌گونه روایات، نشر علم و اثر فرهنگی به زکات تشبیه شده است که لزوم آن از مسلمات حقوق اسلامی می‌باشد. حکمت این احکام اهمیت آثار فرهنگی و نیازهای انسان به آن است.

حال با توجه به این رویکرد باید دید اگر دانشمندی از گذشته، آثار منحصر به فردی داشته باشد که دیگران به آن دسترسی ندارند و با مطالعه آن و تلاش علمی خود به دستاوردهای بزرگی برسند و آن را در کتابی ثبت نمایند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا حق معنوی افشای اثر قابل حمایت است؟ اهمیت موضوع زمانی آشکار می‌شود که اثر به گونه‌ای است که افشای آن جان عده‌ای را نجات بخشد و از عدم افشای آن ضرری به مردم وارد شود.

در پاسخ به این پرسش ممکن است گفته شود از حق این شخص، چنین حمایتی نمی‌شود؛ زیرا اولاً، روایات وارده بیان و ترویج علم را لازم دانسته است و مطابق این روایات شخص ملزم می‌باشد اثر خود را که دانش او در آن تثبیت شده است، به طالبان علم عرضه کند؛ به عنوان مثال، پیامبر اکرم ﷺ در روایتی فرموده‌اند:

أیما رجل أتاه الله علماً فکتمه و هو یعلمه، لقی الله «عزَّوجلَّ» یوم القیامة ملجماً بلجام من نار: هرکس را خداوند علمی به او ارزانی دارد و او آن را کتمان کند، خداوند متعال در روز قیامت لگامی از آتش بر او قرار می‌دهد (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۷۷).

این وعید، دلالت بر حرمت کتمان علم می‌کند؛ زیرا نمی‌توان چنین عاقبتی برای کسی که مرتکب عمل حرام بزرگی نشده باشد، در نظر گرفت. البته چنانچه شخص عالم زمینه‌ای برای افشای اثر خود نداشته باشد و یا مصالحی موجب عدم افشای اثر گردد، مانعی در کتمان آن نیست؛ زیرا اهل علم با توجه به فرمایش رسول اکرم ﷺ موظف‌اند علم خود را به افراد نااهل و اگدار نکنند^۱ (خطیب بغدادی، ۱۳۹۷، ص ۱۹).

ثانیاً، می‌توان از ادله ممنوعیت احتکار، الغای خصوصیت نمود و آن را شامل اثر ادبی - هنری دانست؛ به این بیان که با توجه به مفهوم احتکار و ادله آن و نیز دیدگاه فقهی بعضی، چنین شخصی از حمایت حقوقی حق معنوی افشای اثر برخوردار نیست

۱. «تعلّموا العلم واعملوا به و علموه و لا تضعوه فی غیر أهله و لا تمنعوه عن أهله». قسمت اخیر روایت بر ممنوعیت کتمان علم نیز دلالت دارد.

و حتی ملزم به افشای آن می‌باشد؛ بنابراین بعضی معتقدند احتکار از نظر لغوی دارای مفهوم عام است و هر آنچه را مردم به آن احتیاج دارند و محروم کردن مردم از آن باعث ظلم و نقص به آنهاست، شامل می‌شود و اختصاصی به غذا و مواد خوراکی ندارد (منتظری، ۱۳۸۰، ص ۳۸۰). اطلاق برخی از ادله حرمت احتکار نیز مؤید این دیدگاه می‌باشد؛ به عنوان مثال، رسول گرامی اسلام ﷺ فرموده‌اند: «الجالب مرزوق والمحتکر ملعون» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۴۲۴، ح ۳) و یا در روایت دیگری از ایشان آمده است: «من احتکر فهو خاطيء» (نیشابوری، [بی تا]، ج ۵، ص ۵۶).

در هر دو روایت اخیر، احتکار مطلق بیان شده است؛ هرچند ممکن است به قرینه لفظ «مرزوق» در ابتدای روایت اول، گفته شود مقصود از احتکار، مواد خوراکی و چیزهای خاص این گونه می‌باشد و روایات اطلاق ندارند؛ ولی با توجه به کاربرد رزق در ادبیات اسلامی که در امور مادی همچون خوراک و پوشاک منحصر نیست و امور معنوی همچون علم را نیز دربرمی‌گیرد، این احتمال قابل اعتماد نیست. افزون بر این، حرمت احتکار در میان صاحب نظران اجماعی نیست؛ به عنوان مثال، صاحب جواهر احتکار را در اصل مکروه دانسته است؛ ولی در صورت قصد اضرار یا ایجاد ضرر و مشقت برای مردم، حکم به حرمت آن داده، اظهار داشته است:

بلکه این حکم در هرگونه حبس چیزی که انسان‌ها به آن نیاز دارند، از مأكولات و اشربه و البسه و دیگر چیزها جاری است و مقید به زمان خاص و یا شیء خاصی نیست (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۲، ص ۴۸۱).

از این نظریه استنباط می‌شود که صدق عنوان احتکار، نقشی در حکم حرمت ندارد و برای این امر باید عنوان ثانوی ضرر صدق نماید؛ بنابراین احتکار اثر و عدم افشای آن حرمتی ندارد؛ ولی اگر به ضرر و مشقت مردم منجر گردد، حرام است. در این صورت پدیدآورنده باید اثبات نماید که عدم افشای اثر او ضرری نیست. در فقه حنفی نیز ممنوعیت احتکار، به ورود ضرر به مردم مقید گردیده، اظهار شده است:

ثم الإحتکار یجری فی کل ما یضر بالعامّة عند أبي یوسف، قوتاً کان أو لا: احتکار در هر آنچه که به مردم ضرر برساند، وجود دارد؛ اعم از اینکه غذا یا غیر آن باشد (کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۲۹).

از دیدگاه فقه مالکی نیز احتکار به شیء خاصی اختصاص ندارد و مفهوم عامی دارد (اصبحی، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۹۰).

بر این اساس، از سویی احکام شریعت اسلامی بر مصالح و مفاسد استوار و تا روز قیامت نسبت به همه و در همه جا جاری است. از سوی دیگر، احتیاجات و ضروریات مردم به حسب زمان و مکان مختلف می‌باشد؛ بنابراین با استفاده از روایاتی که مطلق احتکار را منع کرده‌اند و نیز کلام برخی از فقیهان می‌توان گفت حق افشای اثر نه تنها قابل حمایت نیست، بلکه شخصی که از افشای اثر مورد نیاز مردم خودداری کند و باعث زیان و مشقت مردم شود، به افشای اثر ملزم می‌گردد.

به نظر می‌رسد این دلایل بر موضوع مورد بحث ناظر نیست و نمی‌توان صاحب اثر را از حمایت حقوقی حق معنوی افشای آن محروم کرد؛ زیرا حق افشای اثر و اساساً همه حقوق مورد حمایت در مالکیت ادبی - هنری به قالب اثر مربوط می‌باشد و مفاد آن را شامل نمی‌شود، در حالی که از ادله مربوط به احتکار استفاده می‌شود که مفاد اثر دارای اهمیت است؛ زیرا آنچه ضرر مردم را دفع می‌نماید، در دسترس قرارگرفتن مفاد اثر و نه قالب آن می‌باشد؛ بنابراین پدیدآورنده می‌تواند مفاد دانش و دستاوردهایی را که در کتاب خود نوشته است، در اختیار دیگران قرار دهد و از این راه، ضرر مردم را دفع نماید. همچنین، با این استدلال فهمیده می‌شود که میان حرمت کتمان علم و حق افشای اثر، ملازمه‌ای وجود ندارد؛ چون حرمت کتمان علم ناظر بر ممنوعیت پنهان نمودن علم و حقیقتی از دیگران، جهت کسب منافع نامشروع اقتصادی و دنیوی است؛ ولی حق افشای اثر ناظر بر افشا و توزیع انحصاری آن به وسیله دارنده است. به عبارت دیگر، حق افشای اثر، دیگران را از افشای اثر بدون رضایت دارنده اثر منع می‌کند؛ بنابراین در حق افشا، اظهار و ترویج علم مفروض است؛ ولی چون در دنیای معاصر افشا متضمن منافع مالی یا اقتصادی برای افشاکننده است، حق افشا، افشای اثر را منحصراً در اختیار دارنده محسوب می‌کند تا او از منافع اقتصادی آن بهره‌مند شود.

در باره قلمرو حمایت از حق افشا، اگرچه حق افشای اثر به عنوان حقی معنوی غیرقابل اسقاط و انتقال و نیز غیرقابل معاوضه در حقوق ایران شناسایی شده است؛ ولی اجرای آن قابل اسقاط و انتقال و نیز مبادله با مال می‌باشد. بر این اساس، اگر اجرای

حق افشا یا حق اولین نشر اثر به دیگری واگذار شود، اجرای حق افشای اثر به وسیله پدیدآورنده نیز به او واگذار شده است. در این فرض، مطابق قواعد عمومی و اصل لزوم قراردادها، پدیدآورنده حق ندارد از تسلیم اثر به منتقل‌الیه خودداری کند و باید آن را به وی تسلیم نماید (عربیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲)؛ ولی اگر در قرارداد به واگذاری حق افشا به ناشر یا سقوط آن تصریح نشده باشد، دارنده می‌تواند برای چاپ و افشای بعدی از تسلیم آن به ناشر خودداری نماید.

۲. چگونگی نقض حق افشای اثر

مهم‌ترین بُعد حمایت حقوقی از حق افشا، ممانعت از نقض آن در مرحله و اولویت اول و جبران خسارت وارده از نقض در مرحله بعد می‌باشد؛ بنابراین چگونگی تحقق نقض حق افشا در حمایت مؤثر از دارنده، اهمیت خاصی دارد که مورد بررسی قرار می‌گیرد. حق افشای اثر به دو صورت ممکن است مورد نقض واقع شود؛ نخست، اینکه حق به تنهایی مورد نقض قرار گیرد؛ دوم، اینکه حق افشای اثر همراه با حقوق دیگر دارنده نقض شود. فرض اخیر منوط به آن است که حقوق مرتبط با حق افشای اثر شناسایی شود و سپس چگونگی نقض آن مورد تحلیل واقع شود. یکی از این حقوق، حق مصونیت و امانت اثر می‌باشد؛ مثلاً اگر شخصی یک نسخه از اثر خود را به امانت نزد دیگری بگذارد، برای دارنده دو حق (یکی حق افشای اثر و دیگری حق مصونیت و امانت اثر) قابل طرح است.

همچنین، حق افشای اثر ممکن است با حق مادی اولین نشر ارتباط یابد. این فرض زمانی است که اثر برای نخستین بار وارد جامعه شود. توجه به این نکته ضروری است که اگرچه در حقوق ایران به حق مادی اولین نشر تصریح نشده است؛ ولی وجود این حق در عرف تجاری مربوط به نشر مسلم می‌باشد؛ زیرا برخی از ناشران مایل‌اند به عنوان اولین ناشر اثر مطرح شوند و همین امر باعث می‌شود به پدیدآورنده مبلغ بیشتری برای نشر اثرش پرداخت کنند. گاهی حق افشای اثر با حق نمایش همراهی می‌کند؛ مثلاً زمانی که یک اثر هنری برای نخستین بار در نمایشگاهی عمومی به نمایش گذاشته شود. افزون بر این، ممکن است حق افشای اثر با حق توزیع توأم شود؛ مانند

زمانی که پدیدآورنده شخصاً اثر خود را تکثیر کند و آن را در یک انبار نگهداری نماید. در صورتی که پدیدآورنده، حق اولین نشر یا حق نشر و تکثیر مجدد اثر خود را به کسی واگذار کرده باشد نیز حق افشای اثر مطرح می‌شود؛ زیرا مطابق این حق، پدیدآورنده زمان، مکان و شکل انتشار اثر را تعیین می‌نماید و در صورتی که هریک از آنها رعایت نشود، حق افشای اثر نقض شده است.

علاوه بر زمانی که حق اولین نشر به دیگری واگذار شده باشد، کسانی که در مراکز پژوهشی و دانشگاهی کار می‌کنند و پرداخت حقوق آنان در ازای کار تحقیقی و طرح‌های پژوهشی می‌باشد نیز نمی‌توانند اجرای این حق را نسبت به اصل اثر درخواست کنند؛ زیرا این افراد اجرای حق افشای اثر را به مرکز محل خدمت خود واگذار کرده‌اند. با توجه به این فروض، چگونگی تحقق نقض حق افشای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. نقض حق افشای اثر به تنهایی

نقض حق افشای اثر به تنهایی ممکن است به دو صورت محقق شود؛ گاهی ناقض بدون هرگونه رابطه قراردادی با پدیدآورنده، حق افشای اثر او را نقض می‌کند، هرچند اثر مزبور ارزش اقتصادی نداشته باشد؛ مثلاً شاعری شعری سروده، آن را روی کاغذی نوشته است. سپس کسی بدون اجازه او کاغذ را برمی‌دارد و شعر را در انجمن شعر و ادب می‌خواند و یا ممکن است اثر، ارزش مالی داشته باشد؛ مثلاً کسی اثر متعلق به پدیدآورنده را بدون اجازه او به ناشری نشان دهد و از این راه، ناشر از اثر پدیدآورنده اطلاع یابد. در هر دو مورد مذکور حتی اگر شخصی که اثر را برداشته است، آن را برگرداند، حق افشای اثر پدیدآورنده را نقض کرده است. همچنین، در صورتی که اثر مشترک^۱ باشد و یکی از پدیدآورندگان بدون اجازه و رضایت پدیدآورنده دیگر، اثر را

۱. مطابق ماده ۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، به اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است. براساس تعریفی که ماده ۱ پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در شماره ۸ از اثر مشترک به دست داده است، پدیدآورندگان این‌گونه آثار باید شخص حقیقی باشند.

برای شخص یا اشخاصی افشا نماید، بدون وجود رابطه قراردادی، حق افشای اثر پدیدآورنده دیگر نقض شده است.

گاهی ممکن است پدیدآورنده، حق اولین نشر و یا حق نشر مجدد اثر خود را براساس قرارداد به دیگری منتقل کند. در این فرض نباید چنین پنداشت که با انتقال اثر به شخص دیگر، حق افشای اثر پدیدآورنده کاملاً به دیگری واگذار شده است؛ هرچند حق افشای اصل اثر براساس قرارداد واگذاری برای پدیدآورنده وجود ندارد؛ ولی وی همچنان حق دارد نسبت به زمان، مکان و شکل اثر خود تصمیم بگیرد. چنانچه این امور در قرارداد واگذاری مشخص شده باشد، منتقل‌الیه به رعایت آنها موظف می‌باشد و عدم توجه به آنها باعث نقض حق افشای اثر می‌گردد. اگر در قرارداد مذکور اشاره‌ای به این امور نشده باشد، منتقل‌الیه باید در هریک از آنها نظر پدیدآورنده را جویا شود. در صورتی که بدون جلب نظر پدیدآورنده اقدام نماید و او به این کار رضایت ندهد، حق افشای اثر پدیدآورنده نقض شده است. البته در هر دو فرض اخیر، مسئولیت ناقض، قراردادی است.

اگر همراه حق افشای اثر، هیچ حق دیگری نقض نشود، باید میان دو فرض تفکیک کرد؛ نخست، اینکه به سبب نقض، ضرر معنوی به پدیدآورنده وارد شود. در این فرض، ناقض حق افشای اثر مسئولیت مدنی دارد و باید خسارت پدیدآورنده را جبران نماید؛ به عنوان مثال، پدیدآورنده اثبات نماید که اثرش هنگامی که به وسیله ناقض افشا شده است، ناقص بوده، همین امر باعث لطمه به حیثیت و موقعیت او شده است؛ دوم، اینکه از نقض حق افشای اثر ضرری متوجه پدیدآورنده نشود. حتی ممکن است افشای اثر در زمان و موقعیت خاص باعث اقبال بیشتر به اثر و افزایش اعتبار پدیدآورنده شود. در این فرض، ناقض حق افشای اثر مسئولیت مدنی ندارد؛ چون ضرری به دارنده وارد نشده است. هرچند چون ناقض، حقی از حقوق انحصاری پدیدآورنده را ضایع کرده، مرتکب عمل حرامی شده است، باید رضایت او را جلب کند. در این حالت دادگاه می‌تواند برای جلب رضایت و تشفی خاطر پدیدآورنده، ناقض را به پرداخت مبلغی پول به نفع پدیدآورنده محکوم نماید. این پول، جبران خسارت محسوب نمی‌شود، بلکه همانند جبران زیان‌های عاطفی جنبه تنبیهی و حمایتی دارد.

۲-۲. نقض حق افشای اثر همراه با حقوق مرتبط

براساس مطالب پیش گفته، گاهی حق افشای اثر با حقوق دیگر مرتبط می‌شود؛ به گونه‌ای که با نقض حق افشای اثر، حقوق دیگر همراه آن نیز نقض می‌شود. شایان ذکر است که در بیشتر اوقات همه حقوق مذکور با حق افشای اثر نقض می‌شوند؛ ولی در اینجا برای روشن کردن موضوع، به طور جداگانه بررسی می‌شوند.

۲-۲-۱. نقض حق افشای اثر همراه با نقض حق مصونیت یا امانت

گاهی ممکن است پدیدآورنده یک نسخه از اثر خود را به امانت نزد دیگری بسپارد؛ مثلاً آن را به ناشری بسپارد تا درباره آن نظر بدهد یا آن را به دوست خود بدهد تا آن را مطالعه نماید. در این فرض دو حق مطرح می‌شود؛ یکی حق افشای اثر که تکلیفی عام است و شامل امانت‌گیرنده نیز می‌شود. دیگری حق مصونیت اثر و امانت آن است که حقی قراردادی می‌باشد و براساس آن، امانت‌گیرنده موظف است اثر را حفظ کند و به دیگران نشان ندهد. چنانچه امانت‌گیرنده اثر را به دیگران نشان دهد، هر دو حق را نقض کرده است. تفاوت این دو نقض در این است که نقض حق افشای اثر به دلیل اینکه ماهیت قراردادی ندارد و تکلیفی عام محسوب می‌شود، می‌تواند موجب مسئولیت مدنی ناقض شود. در مقابل، نقض حق مصونیت و امانت به دلیل ماهیت قراردادی آن موجب مسئولیت قراردادی می‌شود؛ زیرا امانت‌گیرنده «نقض اعتماد» (Breach of Confidence) کرده است و بر خلاف امانت که مبتنی بر حُسن نیت می‌باشد، اثر را در اختیار دیگران قرار داده یا به آنها نشان داده است (Cornish, 2003, p.181).

در این فرض دو حالت پیش می‌آید. گاهی هر دو حق با یکدیگر نقض می‌شوند؛ مثل اینکه امانت‌گیرنده اثر را به کسی دیگر نشان دهد. گاهی حق مصونیت و امانت به تنهایی نقض می‌شود؛ مثلاً امانت‌گیرنده از نسخه‌ای که نزد خود دارد، یک روی گرفت تهیه نماید. در صورت اخیر تا زمانی که امانت‌گیرنده روی گرفت اثر را به کسی نشان ندهد، حق افشای اثر پدیدآورنده نقض نمی‌شود؛ ولی به دلیل اینکه بر خلاف امانت عمل شده است و استفاده بیشتری از آنچه پدیدآورنده اجازه داده، صورت گرفته است، امانت‌گیرنده به جهت نقض قرارداد، مسئولیت قراردادی دارد (عاملی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۴).

زمانی که هر دو حق نقض می‌شوند، مسئولیت قراردادی ثابت است؛ ولی مسئولیت مدنی هنگامی ایجاد می‌شود که پدیدآورنده اثبات نماید از نقض حق افشای اثر ضرری به او وارد شده است؛ بنابراین در این فرض، پدیدآورنده براساس دو مبنای مسئولیت مدنی و قراردادی می‌تواند اقامه دعوی کند، با این تفاوت که در دعوی مسئولیت قراردادی، بار اثبات دلیل به عهده امانت‌گیرنده می‌باشد؛ یعنی زمانی از مسئولیت رهایی می‌یابد که اثبات نماید دلیل موجهی برای نقض داشته است؛ ولی در دعوی مسئولیت مدنی، بار اثبات دلیل به عهده پدیدآورنده می‌باشد و او باید زیان وارد بر خود را به سبب نقض حق افشای اثر اثبات نماید (شهیدی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۰۱).

۲-۲-۲. نقض حق افشای اثر همراه با نقض حق اولین نشر

در بازار نشر، برخی از ناشران ترجیح می‌دهند اولین ناشری باشند که اثر به وسیله آنها به چاپ می‌رسد. به همین دلیل، مبلغ بیشتری به پدیدآورنده‌ای که برای بار اول می‌خواهد اثرش را عرضه نماید، پرداخت می‌کنند تا امتیاز نخستین نشر آن را به دست آورند. در صورتی که شخصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) بدون اجازه پدیدآورنده اثر وی را منتشر نماید، هر دو حق مذکور را نقض کرده است؛ زیرا ممکن بود پدیدآورنده، اثر خود را با مبلغ بیشتری به وسیله ناشر دیگر به چاپ برساند و با این کار از سود بیشتر محروم شده است.

از نقض این دو حق، ممکن است خسارت‌هایی به پدیدآورنده وارد شود؛ به عنوان مثال، اثر پدیدآورنده مربوط به مسائل ماه محرم است. کارشناسان نیز معتقد باشند که اگر این اثر در نزدیکی ماه محرم و در شهر قم به ناشری عرضه گردد، بیست درصد به پدیدآورنده حق‌التألیف اختصاص می‌یابد؛ ولی اگر در غیر این زمان و در شهر دیگری به چاپ برسد، حق‌التألیف پدیدآورنده، ده درصد خواهد بود؛ بنابراین شخصی که اثر این پدیدآورنده را بدون اجازه او در غیر از زمان و مکان مذکور به چاپ برساند، به دلیل کاستن از ارزش اثر، مطابق قاعده تسبیب، مسئول جبران خسارت است.

ممکن است گفته شود وضعیت مورد بحث از موارد عدم‌النفع است و قابل جبران نیست؛ ولی باید به این نکته توجه کرد که عدم‌النفع در جایی مطرح می‌شود که اضرائی

صورت نگرفته باشد و شخص زیان‌دیده فقط از وصول نفع محروم شده باشد، در حالی که در این فرض به دلیل انتشار اثر در زمان و مکان نامناسب، ارزش اثر کاسته شده است و این زیان با توجه به امکان تشخیص وضعیت بازار به وسیله کارشناسان، امری قطعی و مسلم است.

۲-۲-۲. نقض حق افشای اثر همراه با نقض حق توزیع

ممکن است پدیدآورنده، اثرش را بدون افشا تکثیر کرده باشد و در یک انبار نگهداری کند تا در زمان مناسب به توزیع آنها اقدام نماید. در چنین مواردی حق افشای اثر هنوز برای وی باقی می‌باشد و چنانچه کسی آثار تکثیرشده را بدون اجازه پدیدآورنده پخش کند، حق افشای اثر و حق توزیع او را نقض کرده است.

در این فرض نیز همچون مورد پیشین ممکن است مجموع نقض حق افشای اثر و حق توزیع باعث زیان پدیدآورنده شود؛ به عنوان مثال، پدیدآورنده قصد داشته است آثار تکثیرشده خود را هنگام برپایی نمایشگاه کتاب توزیع نماید. کارشناسان نیز معتقدند به دلیل استقبال مردم، اگر کتاب مذکور در زمان نمایشگاه عرضه شود، پدیدآورنده موفق می‌شود همه مبلغ پشت جلد کتاب را دریافت کند؛ ولی اگر کتاب در زمان دیگری توزیع شود، پدیدآورنده باید هنگام فروش، بیست در صد قیمت پشت جلد کتاب را کاهش دهد؛ بنابراین شخصی که بدون اجازه پدیدآورنده، آثار او را در زمان نامناسب توزیع می‌کند، به دلیل کاهش ارزش اثر، براساس قاعده تسبیب (اتلاف غیرمستقیم) مسئول جبران خسارت است. گفتنی است ناقض، به دلیل استیلا نامشروع بر مال دیگری، غاصب نیز محسوب می‌شود و قواعد غصب درباره او جریان می‌یابد.

ممکن است آثار تکثیرشده به گونه‌ای توزیع شوند که هیچ‌زیانی به پدیدآورنده وارد نشود و حتی در مواردی با نفع پدیدآورنده همراه باشد. به نظر می‌رسد در این فرض نتوان برای ناقض، مسئولیت مدنی پیش‌بینی کرد.

پرسشی که مطرح می‌شود اینکه آیا در دو صورت اخیر (یعنی نقض حق افشای اثر با حق مادی اولین نشر و حق توزیع) می‌توان صرف نقض حق افشای اثر را موجب مسئولیت مدنی دانست و برای آن جبران پولی در نظر گرفت؟

به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد؛ زیرا اگرچه نقض حقوق معنوی و مادی پدیدآورنده به منزله فعل زیان‌بار است؛ ولی برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود دو رکن دیگر آن یعنی ضرر و رابطه سببیت نیز ضروری است؛ بنابراین سخن کسانی که می‌گویند مدعی نقض حقوق مالکیت فکری کافی است تجاوز غیر به قلمرو حقوق انحصاری خود را اثبات کند و ضرورتی به اثبات خسارت ندارد، منطبق با قواعد حقوق مسئولیت مدنی نیست (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴)؛ ولی اگر با نقض حق افشای اثر زیانی به پدیدآورنده وارد شود، می‌تواند دعوی مسئولیت مدنی اقامه کند. البته باید توجه داشت که چون حق افشای اثر از حقوق معنوی پدیدآورنده است، زیانی که از نقض آن وارد می‌شود نیز معنوی است که جبران آن باید متناسب با ماهیت و طبیعت ویژه آن باشد و پرداخت پول به منظور جبران خسارت وارده، تناسبی با ماهیت آن ندارد.

حکم نقض حق معنوی افشای اثر اعم از ورود ضرر به پدیدآورنده یا عدم ورود ضرر به او، حرمت تکلیفی است؛ زیرا ناقض حقی از حقوق پدیدآورنده را ضایع کرده است. از این رو ملزم می‌باشد رضایت وی را کسب نماید و دادگاه می‌تواند برای جلب رضایت پدیدآورنده، ناقض را به مبلغی پول به نفع او محکوم کند که این پول به منظور جبران خسارت نیست و فقط جنبه رضایت طلبی و تشفی خاطرخواهی از پدیدآورنده دارد.

نتیجه

حمایت از حق افشای اثر از حقوق شناخته‌شده پدیدآورنده می‌باشد که حقوق دیگر پدیدآورنده بر آن مترتب است. ادله ممنوعیت احتکار و یا ادله حرمت کتمان علم از این حق انصراف دارد و نمی‌توان براساس این ادله، حق مزبور را نادیده گرفت و پدیدآورنده را از امتیازات آن محروم ساخت. قلمرو حقوقی حمایت از حق، مطلق است، مگر اینکه پدیدآورنده آن را اسقاط کند یا به دیگری واگذار نماید.

روش تحقق نقض حق افشای اثر ممکن است به تنهایی و یا همراه با حقوق دیگر دارنده واقع شود که چندین فرض قابل تصور است؛ نخست، اینکه پدیدآورنده فقط

متحمل زیان معنوی شود. در این حالت می‌توان مسئولیت مدنی ناقض را مطرح ساخت؛ ولی به دلیل اینکه زیان وارده از نوع زیان معنوی است، جبران آن باید متناسب با ماهیت و طبیعت این‌گونه زیان‌ها باشد و نمی‌توان از جبران پولی استفاده کرد؛ دوم، اینکه پدیدآورنده علاوه بر زیان معنوی متحمل زیان مادی نیز شود که هر یک از زیان‌ها با توجه به ماهیت آن قابل جبران است؛ سوم، اینکه از نقض حق افشای اثر، زیانی به پدیدآورنده وارد نشود و یا حتی نقض، منافعی را برای وی به دنبال داشته باشد. در این فرض به دلیل فقدان برخی ارکان مسئولیت مدنی نمی‌توان آن را برای ناقض ثابت دانست. در این حالت و نیز زمانی که به پدیدآورنده فقط زیان معنوی وارد شده است، دادگاه می‌تواند ناقض را به جهت ارتکاب نقض که دارای حکم تکلیفی حرمت می‌باشد، به پرداخت پول در وجه پدیدآورنده محکوم نماید؛ این پول خسارت نیست و فقط جنبه رضایت‌خواهی دارد.

منابع

۱. اصبحی، مالک بن انس؛ المدونة الكبرى؛ ج ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲. بغدادی، خطیب؛ اقتضاء العلم العمل؛ تحقیق محمد ناصر الدین الألبانی؛ ج ۴، بیروت: المکتب الإسلامی، ۱۳۹۷.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۳، قم: مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۴. زرکلام، ستار؛ حقوق مالکیت ادبی و هنری؛ ج ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۵. شبیری، سید حسن و همکاران؛ پیش نویس لایحه قانون جامع حقوق مالکیت ادبی و هنری حقوق مرتبط؛ ج ۱، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی، ۱۳۸۹.
۶. شهیدی، مهدی؛ حقوق مدنی آثار قراردادها و تعهدات؛ ج ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.
۷. طوسی، محمد بن حسن؛ الأمالی؛ ج ۱، قم: دارالثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ منیة المرید؛ تحقیق رضا مختاری؛ ج ۱، [بی جا]: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۹. عربیان، جواد؛ چشم انداز فقهی و حقوقی مالکیت های معنوی با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی؛ ج ۱، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی، ۱۳۸۲.
۱۰. کاسانی، ابوبکر بن مسعود؛ بدائع الصنائع؛ ج ۱، پاکستان: المکتبة الحیبیة، ۱۴۰۹ق.
۱۱. منتظری، حسینعلی؛ نظام الحكم فی الإسلام؛ ج ۱، تهران: انتشارات سرابی، ۱۳۸۰.
۱۲. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ تحقیق شیخ علی آخوندی؛ ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۴.
۱۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].

14. Cornish, William; **Cases and Materials on Intellectual Property**; 4th Edition, Sweet & Maxwell, London, 2003.
15. Hart Tina, Linda Fazzani & Simon Clark; **Intellectual Property Law**; 4th Edition, Palgrave Macmilla, New York, 2006.
16. Poole, Jill; **Contract Law**; 8th Edition, Oxford University Press, New York, 2006.
17. Sterling, J.A.L; **World Copyright Law**; 2nd Edition, Sweet & Maxwell, London, 2003.